فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره سی و سه. تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۱-۱ Vol 3. No 33. 2019, p 1-11
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی علم قاضی به عنوان اساس کشف حقیقت در رسیدگی های قضایی

زهرا آقابابا
دکترای حقوق خصوصی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

چکیده

انسان‌ها موجوداتی مدنی‌الطبع هستند که ناگزیرند جهت برآوردن حاجات و دفع ضرر از خود با همنوعان تعامل و زندگی نمایند، در نتیجه باید با هم‌نوع خود ارتباط مستمر و دایم داشته باشد. در مسیر این ارتباطات تبعاً هریک از اشخاص دارای حقوق و تکالیفی هستند که رعایت قواعد و قوانین آن به منظور حفظ اجتماع ازهرج‌ومرج، الزام‌آوراست. در این فرایند گاهی به دلایل مختلف حقوق اشخاص در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند، بدین لحاظ جامعه انسانی به منظور حفظ حریم و رعایت حقوق و جلوگیری از تجاوز به حقوق یکدیگر از ابتدا قواعد و مقرراتی را ترسیم نموده که در قالب عرف و رویه اجتماعی بر روابط خود حاکم می‌گرداند. از این رو علم شخصی قاضی در فقه اسلامی و قضایی به عنوان یکی از طرق اثبات دعوا پیش‌بینی شده است که از صدر اسلام با نظر فقها، به ویژه فقهای امامیه، مورد تأکید قرار گرفته است و از دیرمان در محافل علمی و فقهی و حوزوی مطرح بوده و در این رابطه استدلالاتی بیان گردیده که می‌توان گفت علم قاضی از اعتبار استنادی برخوردار است و اعتبار بخشیدن به علم قاضی بر اساس مقتضیات زمان فعلی اهمیت بسزایی دارد چرا که با توجه به پیچیدگی دنیای معاصر و خدعه‌ها و نیرنگ‌ها ممکن است با ادله قانونی و شرعی صرف مانند اقرار و شهادت و قسامه نتوان احقاق حق نمود. در تحقیق پیشرو با استفاده از روش تحلیلی توصیفی برآنیم که به بررسی علم قاضی به عنوان اساسی برای کشف حقیقت در رسیدگی‌های قضایی بپردازیم. طبق یافته‌های پژوهش علم قاضی به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوی به شمار می‌آید که از اول مورد توجه قانون‌گذار الهی و روایات و اجماع فقهای امامیه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: علم قاضی، حقیقت، رسدگی قضایی، اثبات دعوی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

مقدمه

در ترمینولوژی حقوق در مورد اصطلاح قاضی چنین آمده: قاضی کسی است که به شغل قضاء و فصل خصومت و ترافع اشتغال دارد و در همین معنا دادرس استعمال می‌شود.

آیهٔ ۴۷ سوره مائده: «وان حکمت و احکم بین الناس بالحق».

آیهٔ ۵۳ سورهٔ مائده: «فاحکم بینهم بما انزل الله».

در ترجمه آیات مذکور آمده است: هرگاه قاضی، علم به موضوعی پیدا کرد مثل اینکه علم پیدا کرد زید زنا کرده یا مشروب خورده است و حکم به اجرای حد زنا یا شرب خمر دهد قطعاً این حکم، حکم به حق و حکم بما انزل الله است؛ چنانچه اگر علم پیدا کند به اینکه خانه ملک زید است و حکم به ملکیت خانه برای زید دهد و یا علم پیدا کند فلان زن زوجهٔ زید است و حکم به زوجیت او دهد، قطعاً این احکام، حکم به حق و قسط و عدل است و اگر بر خلاف آن حکم دهد حکم برخلاف عدل و حق و بر خلاف ما انزل الله داده است و اگر حکم نکند استنکاف از حکم نموده است.[۱]

طبق روایات قضاوت بر اساس علم و صحت آن نزد پیامبران امری مفروغ عنه بوده است و اگر علم به موضوعی پیدا می‌کردند و از کیفیت واقعه مطلع می‌شدند قطعاً حکم می‌کردند. از عبارت «کیف اقضی بمالم ترعینی ولم تسمع أذنی» استفاده می‌شود که اگر دیده بودم یا شنیده بودم که جای سؤال نبود و قضاوت می‌کردم. اما با توجه به اینکه به چشم ندیده و به گوش نشنیده‌ام یعنی علم ندارم، چگونه قضاوت کنم؟ خداوند هم می‌فرماید: با بینه و قسم قضاوت را تمام کنید. که این ظهور دارد بر اینکه استناد به بینه و قسم در صورت فقدان علم برای قاضی است و وقتی که علم وجود داشته باشد جائی برای تمسک به بینه و قسم نیست.[۲]بنابراین مسئولیت‌های بسیار مهمی که احیای حق را در پی دارد انجام صحیح و عادلانه دادرسی است. صحنه قضاوت تجلی روح عدالت است لذا باید قضات طوری اقدام به رسیدگی و صدور حق نمایند که موجب تضییع حقوق دیگران نگردد و در اینجا لازم است در روند دادرسی به اقناع وجدانی و آرامش درونی رسیده و اقدام به صدور حکم کند. علم قاضی یکی از موارد مهم در باب قضاء و ادله اثبات دعوی است، که در ادامه به بررسی آن پرداخته می‌شود.

بحث و بررسی

تعریف لغوی و اصطلاحی علم قاضی:

علم در لغت به معنای دانستن، یقین کردن، معرفت و دانش می‌باشد.[۳]

در اصطلاح فقهی علم، اطمینان است که آن را علم عادی هم نامیده‌اند.[۴]

۱- علم الهدی، سیدمرتضی؛ انتصار/ مؤسسهٔ نشر اسلام، قم، ۱۴۱۵ هـ ق، ص ۳۲

۲- مقتدائی، مرتضی؛ علم قاضی در حقوق اسلام/ مجلهٔ قضائی حقوقی دادگستری، سال ششم، شمارهٔ ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان ۷۶، ص ۳۳

۳ - معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین/ تهران، سرایش، ۱۳۸۱، چاپ سوم، ص ۷۶۸

۴ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق/ تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چ نوزدهم، ص ۴۶۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تعریف علم قاضی آمده است: «علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند».
طبق ماده ۱۰۵ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی حاکم شرع می‌تواند در حق‌الله و حق‌الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم خود را ذکر کند. پس علم قاضی یکی از دلایل اثبات جرم است که اختصاص به جرم خاصی ندارد و حتی شامل تعزیرات نیز می‌شود.[۱]

اهمیت علم قاضی:

اهمیت علم قاضی به درجه‌ای است که در مقام تعارض بین شهادت شهود و امارات قضائی، جانب اماره را باید ترجیح داد؛ زیرا قاضی از اماره قضائی مستقیماً اطمینان حاصل می‌کند؛ در حالی که استماع گواهی برای وی (به جای ایجاد علم) فقط ایجاد ظن می‌کند آن هم آگاهی به طریق غیرمستقیم.[۲]

حجیت علم قاضی:

علم قاضی از هر رهگذر متعارف که به دست آید حجت است فرقی نمی‌کند که موضوع رسیدگی از حقوق عمومی (حق‌الله) باشد یا از حقوق خصوصی (حق‌الناس) و فرقی نمی‌کند که موضوع رسیدگی یک امر مدنی باشد و یا یک مسئله کیفری[۳]در مواردی که علم قاضی جزء ادله ثبوت جرم تعیین شده است و یا اصولاً راه‌های ثبوت جرمی در قانون احصاء نشده باشد، قاضی مجاز به مراجعه به علم خود است ولی اگر دلائل اثبات جرمی در قانون به قید حصر ذکر شده باشد و علم قاضی جزء ادله محصوره نباشد در چنین جرمی قاضی نمی‌تواند به علم خود مراجعه نماید.[۴]

علم قاضی در قوانین:

قبل از پیروزی انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبود نه به عنوان دلیل و نه به عنوان نتیجه و آثار دلایل، اما پس از انقلاب مخصوصاً با تغییرات فراوانی که در موازین قضائی بخصوص در جزائیات پیش آمد در چند موارد از علم متعارف قاضی یاد شده است.[۵]روشنترین ماده مورد استناد برای جواز استناد به علم قاضی ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی است. مراد از علم قاضی در ماده فوق علم قاضی صادرکننده

۱- زراعت، عباس؛ شرح ق. م. ا بخش حدود، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، چ اول، ج دوم، ص ۶۱.
۲- گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، ص ۳۸۸.
۳- جعفری لنگرودی؛ محمدجعفر، نشریه داشکده علم و حقوق سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۱، ۱۳۵۸، ص ۶۹.
۴- گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، ص۳۸۲.
۵- مدنی، جلال‌الدین؛ آیئن دادرسی کیفری ۱ و ۲، ص۳۷۶.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

رای است و علم قاضی تحقیق (دادیار) یا دادستان برای حاکم دادگاه حجیت ندارد و دلیل قاطع محسوب نمی‌گردد ولی می‌تواند از امارات باشد.[۱]

ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: «حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود حکم کند». بنابراین، قاضی نمی‌تواند به استناد خواب و رؤیا انشای حکم کند.

علاوه بر موارد فوق در مواد ۱۲۸ و ۱۹۹ و بند ۴ ماده ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی به علم قاضی به عنوان طریق ثبوت جرم منجزاً اشاره گردیده است.[۲]در نتیجه در مورد علم قاضی و حکم مبتنی بر آن در آئیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی به طور بسیار روشن موادی بیان شده است.

علم قاضی قول به اعتبار علم قاضی

غالب فقهاء شیعه از قدما و معاصرین[۳]و حتی اهل سنت[۴]در اعتبار علم قاضی اتفاق نظر دارند، اما در میزان نفوذ، موضوعات و شرایط آن اختلاف است. از این رو اقوال مختلفی در این زمینه وجود دارد:

علم قاضی اعتبار درحق‌الناس

آنچه که قائلین به اعتبار علم، از شیعه و سنی در آن متفق‌اند، اعتبار در حقوق الناس است بـه خلاف حقوق‌الله و حدود که اختلاف نظر دارند؛ گونه‌ای از این اقوال به شرح ذیل است:

صاحب جواهر در این‌باره بیان دارد: «هذا. . . و غیره من القضاۀ یقضی بعلمه فی حقوق الناس قطعا و[۵]. . .؛.»

بنا بر قولی از شافعی نیزبه همین ترتیب بیان شده : «. . . یقضی بعلمه فی حقوق الناس قطعاۀ قاضی به طور قطع در حق‌الناس بر اساس علم خود قضاوت می‌کند.» همچنین شافعی ضمن اشاره به دو قـول، دلیل عدم اعتبار علم قاضی در حق‌الله را امکان رجوع مقرّ از اقرار خود در آن مـی‌دانـد، بـه خلاف حق‌الناس که چنین امکانی برای مقرّ نیست و پس از اقرار باید از عهده مقرّبه برآید.[۷]

۱- یثربی، علی محمد؛ بررسی علم قاضی در فقه و قانون؛ اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۳۸۵، ص ۷۰.

۲- گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، ص۳۸۲.

۳- طوسی، محمدبن حسن، الخلاف، ج۶، ص ۲۴۲؛ موسوی، علی بن حسین، الانتصارفی انفرادات الامامیه، ص ۴۸۶؛دزفولی انصاری، مرتضی بن محمد، القضاء والشهادات، ص ۹۱؛ موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، کتاب القضاء، السید الگلپایگانی، ج۱، ص۱۶۰ و روحانی قمی، سید محمدصادق، فقه الصادق (ع)، ج ۲۵، ص ۷۵.

۴- خطیب شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج، ج۴، ص ۳۹۸ ونووی، محیی الدین یحی بن شرف، روضۀ الطالبین، ج ۸، ص ۱۴۱.

۵- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج۴۰، ص۸۸ ؛ آشتیانی، میرزا محمدحسن، کتاب القضا(ط الحدیثه)، ج۱، ص۱۶۷؛ شاهرودی هاشمی، سیدمحمود، قراءات فقهیه معاصره، ج۱، ص۲۸۴؛ مکارم شیرازی، ناصر، انوارالفقاهه، ص۴۴۵ و همو، بحوث فقهیه هامه، ص۱۶۸.

۶- ابن رشد، محمدبن احمد، بدایۀ المجتهد: ج ۲، ص ۵۰۷ و نووی، محیی الدین یحی بن شرف، المجموع، ج ۲۰، ص۱۶۲.

۷- همان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

علم قاضی اعتبار درحق‌الله

در اعتبار علم قاضی در حقوق الله بین فقهاء عامه و خاصه اختلاف است؛ نمونه‌ای از این اقوال به شرح ذیل است:

ـ برخی قدمای شیعه ضمن اشاره به دو قول، اصح اقوال را اعتبار در حقوق الله عنوان کرده‌اند.[۱]

ـ برخی از متأخرین در آن ادعای اجماع کرده‌اند[۲] در حالی که هیچ‌یک از فقهاء اهل سنت علم قاضی را تا حدودی نافذ و معتبر نمی‌دانند[۳] و در حقوق الناس قائل به حجیت است، دلیل عدم اعتبار آن را در حدود، ناشی از «حدیث درء» می‌داند.

ـ سرخسی[۴] نیز آورده است که در صورتی که مبنا «قیاس» باشد، به دلیل اقوی بودن مشاهدهٔ سبب از سوی قاضی نسبت به شهادت شهود، علم وی می‌تواند اساس صدور حکم قرار گیرد، اما اگر مبنا «استحسان» باشد، در حقوق‌الله خالصی مانند حدود، فاقد اعتبار خواهد بود. برخی از ایشان[۵] نیز در عدم اعتبار آن در حدود، ادعای اجماع کرده‌اند. نووی[۶] هم قول به اعتبار را نقل کرده و به ابو العباس وابو علی بن ابی هریره نسبت داده است، اما می‌گوید نظر اکثر اصحاب اهل سنت برعدم اعتبار علم در حقوق‌الله است.

نقش علم قاضی در کشف حقیقت:

در امور کیفری یکی از ادله اثبات جرم علم قاضی است و «قاضی جزایی در تحصیل دلیل نقش تعیینکننده و سرنوشت ساز دارد. گرچه در دعاوی حقوقی نیز مراجع قضایی تلاش در کشف حقیقت دارند اما در عمل به مستندات ابرازی از سوی طرفین دعوی در حل و فصل قضایا توجه می‌شود. اجرای عدالت به علت فقدان وسیله اثبات متزلزل می‌گردد و بدین لحاظ که قاضی جزایی که مکلف به کشف حقیقت است باید کوشش کند، همه دلائل له و علیه متهم را که گاهی تحصیل آنها مستقیم و شخصاً به عهده وی گذارده شده است جمع‌آوری کند.»[۷] مانند ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی جدید که می‌گوید:

«انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای

۱- حلی، (محقق)، جعفر بن حسن، شرایع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج۴، ص۸۶ و موسوی، علی بن حسین، الانتصارفی انفرادات الامامیه، ص۴۸۸.

۲- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۰، ص۸۸ و حائری، علی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، ج ۲، ص ۳۸۹.

۳- خطیب شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج، ج۴، ص ۳۹۸.

۴- شمس‌الائمه سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، ج ۹، ص ۱۲۴.

۵- شوکانی، محمدبن علی، نیل الاوطار، ج ۹ ص، ۱۹۷.

۶- نووی، محیی الدین یحی بن شرف، المجموع، ج ۲۰، ص۱۶۲.

۷- گلدوزیان، پیشین، ص ۲۰۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدواً قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرائم مذکور در این ماده، اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزهدیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.»

بر اساس حقوق موضوعه ما، در امور کیفری علم قاضی نقش اساسی در کشف حقیقت دارد و عمل به علم قاضی در تمام دعاوی معتبر است و «و بار دلیل در امور جزایی به عهده مرجع قضایی است زیرا که مکلف است به وقوع جرم استناد کند؛ در صورتی که در امور مدنی، ارائه دلیل به عهده شخصی است که وقوع امری را مورد استناد قرار می‌دهد اما بخاطر حمایت از حقوق شخص تحت تعقیب (متهم) بار دلیل در حقوق جزا سنگین‌تر از بار دلیل در حقوق مدنی است. در مقابل در حقوق جزایی، ابزار دلیل، متعددتر و متنوع‌تر از انواع آن در حقوق خصوصی است و بنابراین در حقوق جزا، شایسته است اصل آزادی دلیل حاکم باشد و مقام قضایی در تعیین ارزش اثباتی ارکان دلیل و رسیدن به علم و اعتقاد باطنی حاکی از ارتکاب جرم توسط متهم، آزاد باشد.»[1] لذا قاضی می‌تواند به استناد ادله علمی جدید که موجب شناخت او شدند دعوی را فیصله داده و به شهادت و اقرار و قسم و. . . که به نحوی به فاسد بودن آن علم حاصل کرده ترتیب اثر ندهد و گزارش ضابطین دادگستری در صورتی معتبر است که مورد موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.

مسائل و اندیشه‌های قضایی پیرامون علم قاضی

۱- اعتبار ادله قانونی مانند شهادت، اقرار، اسناد و. . . مطلق است یا مقید؟ به عبارت دیگر، اگر قاضی علم به خلاف آن داشته باشد، چه وجهی دارد؟

اعتبار ادله قانونی مقید است به این‌که قاضی علم به خلاف آن نداشته باشد؛ زیرا ارزش و اعتبار ادله اختصاص به فرض جهل و شک دارد و آنچه از ادله حاصل می‌شود، رفع جهل و تردید است.

بنابراین حجیت و اعتبار آن منحصر به مواردی است که علم به خلاف آن وجود نداشته باشد. اعتماد قاضی به ادله منوط به عدم علم نسبت به موضوع است؛ زیرا چنانچه قاضی باوجود داشتن علم، برخلاف آن عمل کند و طبق ادله ابرازی حکم نماید، تنها در ۴ مورد امکان اتخاذ تصمیم و صدور حکم آن هم با شرایط و اما و اگرهای مربوط وجود دارد که عبارتند از: قتل، سرقت موجب حد، مساحقه و لواط. به‌علاوه، عمل به

۱- گلدوزیان، پیشین، ص ۲۰۳.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

علم خود در صورتی که مخالف صریح ادله ابرازی باشد، موجب خروج از بی‌طرفی بوده و قاضی را در مظان تهمت قرار می‌دهد. بنابراین اگر علم قاضی قبل از طرح دعوا حاصل شود؛ مانند این‌که خود شاهد صحنه نزاع و وقوع قتل باشد، در اینجا در جایگاه شاهد قرار می‌گیرد و با اعلام شهادت از موارد رد دادرس محسوب می‌شود. اگر علم قاضی پس از تبیین ادله به طور متعارف حاصل شده باشد، وارد و ناظر بر ادله خواهد بود نه معارض با آن. در نتیجه می‌توان گفت که اعتبار ادله قائم به علم قاضی به‌درستی و راستی آنهاست. با این تعبیر، علم قاضی دیگر محدود به همان ۴ مورد نخواهد بود.

۲- آیا دادرس در جرایمی که برای اثبات آنها طرق خاصی پیش‌بینی شده، می‌تواند به علم خود حتی اگر از طریق متعارف حاصل شده باشد، عمل کند؟

همان‌گونه که بیان شد، قلمرو علم قاضی محدود و مقید است. در مواردی که اثبات آنها با ادله خاص و تحت شرایطی امکان‌پذیر است، قاضی نمی‌تواند به عمل خود عمل کند؛ زیرا اگر بتواند به علم خود عمل نماید، ۴ مرتبه اقرار و یا ۴ مرتبه شهادت در ۴ جلسه معنا ندارد؛ زیرا ممکن است با یک بار اقرار علم حاصل شود. علم قاضی در موارد چهارگانه قتل، مساحقه، سرقت موجب حد و لواط موضوع مواد ۲۳۱، ۱۹۹، ۱۲۸ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی نیز محل تأمل است؛ مگر این که علم قاضی را علم حاصل از ادله (علم حصولی) و ناشی از ادله ابرازی و تحقیق از اصحاب دعوا بدانیم. بنابراین به نظر می‌رسد دادرس در جرایمی که برای اثبات آنها طرق خاصی پیش‌بینی شده، نمی‌تواند به علم خود استناد کند؛ زیرا مقنن در این‌گونه جرایم نظر و عنایت خاصی را دنبال می‌نموده است.

نقش علم قاضی در اعتبار اموال

برخی از فقهاء عامه که علم قاضی را در حقوق‌الناس معتبر می‌دانند، دایره اعتبار را محدود به اموال کرده‌اند. شوکانی[۱] از بخاری نقل کرده است که برخی اعتبار علم قاضی را در غیرمال قبول ندارند. در ادامه از ابوحنیفه نیز همین قول را، بر مبنای استحسان نقل کرده است، اما «اگر مبنا قیاس» باشد، علم قاضی را در سایر موارد نیز معتبر تلقی کرد. از ابوبکر کاشانی[۲] و سمرقندی[۳] نیز مشابه این قول نقل شده است.

۱- شوکانی، محمدبن علی، نیل الاوطار، ج ۹ ص، ۱۹۷.

۲- کاشانی، ابوبکربن مسعود، بدائع الصنائع، ج ۷، ص ۵۲.

۳- حلی، علامه، حسن بن یوسف، تحفة الفقهاء، ۱ ج، ص ۲۹۷.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

علم قاضی به عنوان یک دلیل

در مورد اینکه علم قاضی می‌تواند یک دلیل شناخته شود، بعضی از فقیهان، علم قاضی رادر رده دلایل به شمار می‌آورند. استاد محمد سنگلجی در این باره می‌نویسد: «در صورتی که دادرس خود به قضیه‌ای عالم باشد، به هیچ یک از امارات التفات ننموده و بر حسب علم خود حکم می‌نماید.»[۱]

به نظر می‌رسد این اندیشه نادرست باشد، زیرا با آیه شریفه «وما اوتیتم من العلم الا قلیلا»[۲]مغایرت آشکار دارد. به حکم آیه شریفه یاد شده، علم انسان محدود است و علم و عقل محدود، نمی‌تواند بدون وسیله علمی و فنی، دلیل به شمار آید. علم ماورای اسباب اثبات حق که از نظرها پنهان است، نزد خداوند است.

نظریه یاد شده از جهت دیگری نیز نمی‌تواند درست باشد و آن این که علم قاضی فقط مفید کشف قضیه با روش متعارفی باشد که قانون به آن تصریح کرده است و در غیر این صورت دلیل نیست.

صدور حکم بر مبنای ادله است و نمی‌توان به قاضی آن توان را داد که بر مبنای علم شخصی خود حکم صادر کند؛ زیرا حاکمیت ادله را متزلزل می‌کند. این طرز فکر نادرست است. قاضی نیز باید بر مبنای راهنما حرکت کند و خودسرانه تصمیم نگیرد. البته نظریه بالا سبب می‌شود تا علم قاضی را مقدم بر اماره و اقوای از هر دلیلی بدانیم که خطا است. زیرا علم قاضی نمی‌تواند اماره محسوب شود، چون اماره‌ها، اوضاع و احوالی هستند که مبنای حجیت آن‌هانوعاً کاشف از واقع است.»[۳]

امام خمینی «ره» در تحریر الوسیله، علم قاضی را اصل و مقدم بر بینه، اقرار و قسم می‌دانند و معتقدند که اگر بینه مخالف علم قاضی باشد، حکم به استناد بینه جایز نیست.[۴]بر مبنای این فتوا علم قاضی اصل و فوق دلایل و خارج از محتویات پرونده می‌باشد. این فتوا با نظر بیشتر فقیهان متقدم و متأخر اسلامی همسو است. اما به باور بعضی اندیشمندان، این نوع فتواها مخالف حدیث نبوی است که می‌فرماید: «انما اقضی بینکم بالبینات و الایمان»[۵]و مفهوم آن این است که فصل خصومت بین متداعیین فقط با بینه و یمین است و شاید به همین مناسبت باشد که استناد به علم قاضی را رد کرده‌اند. به ویژه این که در امور کیفری، اختیار قاضی در رجوع به منابع فقه و علم خود، خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات است و با اصول ۳۶ و ۳۷ قانون اساسی سازگار نمی‌باشد.

علم قاضی به عنوان یک اماره

در خصوص اینکه علم قاضی را می‌توان اماره دانست، به نظر می‌رسد، علم قاضی نمی‌تواند اماره محسوب شود. زیرا اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون و یا در نظر مقام قضایی، دلیل امری شناخته

۱- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۴۴

۲- سوره اسراء، آیه ۸۵

۳- آخوندی، محمود، شناسای آیین دادرسی کیفری، منبع پیشین، ص ۳۷۱

۴- خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۸۶

۵- اصول کافی، جلد ۷، ص ۴۱۴، حدیث اول

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

می‌شود. به این ترتیب مبنای اعتبار اماره، کاشف از واقع بودن آن است که علم قاضی چنین خصیصه‌ای را دارا نیست. ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می‌دارد که قاضی باید مستندات علم خود را به طور صریح در حکم خود قید نماید.

«این صراحت قانونی به خوبی می‌رساند که علم قاضی قطع و یقین خارج از پرونده نخواهد بود. در نتیجه نمی‌توان آن را نوعی اماره دانست.»[۱]

نتیجه‌گیری:

ـ محدودهٔ اعتبار علم قاضی در حقوق موضوعهٔ ایران: در حقوق موضوعهٔ ایران استناد به علم قاضی هم در حقوق مدنی و هم در حقوق کیفری امکان پذیر است.

ـ در حقوق مدنی در مادهٔ ۱۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی می‌توان این امر را استنباط نمود.

ـ در حقوق کیفری نیز در مواد ۱۰۵، ۱۲۰، ۱۹۹ و ۲۳۱ قانون مجازات اسلامی به این موضوع صراحتاً اشاره شده است.

ـ حجیت علم ذاتی است و علم قاضی برای او حجت است در حقیقت علم قاضی یکی از طرق اثبات دعواست.

ـ در حقوق اسلامی، علم قاضی از هر رهگذاری که بدست آید حجت است، فرق نمی‌کند که موضوع رسیدگی از حق‌الله باشد یا حق‌الناس و فرقی نمی‌کند که موضوع یک مسئلهٔ مدنی باشد یا یک مسئلهٔ کیفری.

ـ علمی که برای قاضی حجت است و می‌تواند به آن استناد کند و قضاوت نماید علمی است که از طریق متعارف حاصل می‌کند. پس علم حاصل از طریق خواب دیدن، یا تفأل به قرآن زدن یا با رمل و اسطرلاب علم حاصل کردن، علم حاصل از طریق متعارف نیست بله اگر از راه تحقیقات و آزمایشات علمی، علم برای قاضی حاصل می‌شود، می‌تواند معتبر باشد.

ـ قاضی باید مستند علم خود را بیان نماید. یعنی امارات و قرائن و شواهدی را که از مجموع آنها علم حاصل نموده یکی یکی ذکر کند تا هم مستند او قوی باشد و غیرقابل خدشه و هم از اتهام و سوءظن مبری باشد.

امروزه با توجه به پیچیدگی‌های زندگی روزمره و پیشرفت‌های علمی و فنی و وجود راه‌های گریز فراوان برای مرتکبین، علم قاضی به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوی به شمار می‌آید که از اول مورد توجه قانون‌گذار الهی و روایات و اجماع فقهای امامیه قرار گرفته و با نگاهی به آیات موجود در این زمینه می‌توان دریافت که صدور حکم بر مبنای علم و قطع و یقین واجد اهمیت بسزایی است و تحصیل دلیل از طرف قاضی اعم از قاضی جامع الشرایط یا قاضی مأذون ممنوع نیست و او می‌تواند از قرائن موجود در هر

۱- حائری، منبع پیشین، ص ۶۷

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

دعوی استفاده کرده و بر اساس علمی که به دست آورده مبادرت به صدور حکم نماید و احقاق حق کند. منظور از علم قاضی در مورد حجیت این علم، علم متعارف و نوعی است و باید بین علم حسی و حدسی حاصل برای قاضی قائل به تفاوت شد که تنها علم حسی می‌تواند مبنای حجیت علم قاضی قرار بگیرد در غیراینصورت اعتباری ندارد. قانون‌گذار ایران نیز به تبعیت از شرع و همچنین پیشرفت روز، همواره به این نهاد خطیر توجه ویژه داشته است به خصوص پس از انقلاب اسلامی، در قوانین موضوعه، علم قاضی در پاره‌ای از جرائم به عنوان یکی از ادله اثبات جرائم، در رأس قرار گرفت و بر دیگر ادله اثباتی مقدم شد اما از آنجا که برابر نص صریح اصل ۱۶۶ قانون اساسی، احکام دادگاه‌ها باید مستدل باشد، بی‌گمان هرگاه طریق اثبات دعوی نزد قاضی، علم او بوده باشد بایستی استدلال کافی اسباب و مستندات حصول علم خویش را در متن رای ذکر کند، تا امکان نظارت دوباره‌ی متعارف بودن یا نبودن آن برای مقامات و مراجع نظارتی فراهم گردد. همچنین طبق این اصل لازم است قاضی ماده یا مواد قانونی مربوط به اعتبار علم را در متن حکم خود قید نماید زیرا حکم براساس آن صادر می‌شود. از طرف دیگر با عنایت به تمامی مطالب مذکور و با ملاحظه رویه قضایی دادگاه‌های کشورمان و آراء صادره از آنها که به استناد علم قاضی صادر شده است می‌توان نتیجه گرفت که هدف از دادرسی در حقوق کیفری ما، در واقع کشف حقیقت بوده و سیستم حاکم بر ادله در حقوق کیفری ایران، سیستم اقناع وجدانی و دلائل معنوی می‌باشد.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در اکثر سیستم‌های حقوقی، قضات از اختیارات وسیع برای کشف حقیقت امور مطرح‌شده برخوردار شده‌اند و این رویکرد ناشی از این اندیشه است که قضات تماشاگری منفعل نیستند بلکه وظیفه کشف حقیقت را دارند. در ایران نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی باید کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی و غیره براساس موازین اسلامی‌باشد و قانون‌گذار بر مبنای همین اصل علم قاضی را از جمله ادله اثبات عنوان کرده و این اختیار را به قاضی داده است تا در صورتی که به وقوع حادثه‌ای از جمله قتل از روی حس یا ازطریق سایر مستندات در پرونده علم پیدا کند بتواند از علم خود در اثبات جرم بهره گیرد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

ـ آخوندی، محمود، شناسای آیین دادرسی کیفری، ۱۳۸۰

ـ آشتیانی، امیر احمد حسن، القضاء، انتشارات دارالهجره، چاپ ۱۴۰۴ ه. ق.

ـ جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق/ تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، چ نوزدهم،

ـ جعفری لنگرودی؛ محمدجعفر، نشریه داشکده علم و حقوق سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۱، ۱۳۵۸

ـ خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، جلد دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰

ـ خورسندیان، محمد علی، بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، تابستان ۱۳۸۲، شماره ۴۳.

ـ زراعت، عباس؛ شرح ق. م. ا بخش حدود، تهران، ققنوس، ۱۳۸۰، چ اول، ج دوم

ـ سعیدی، مهدی، موازین قضاوت، ماهنامه قضایی، تیر ۱۳۵۶، شماره ۱۳۶.

ـ سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷

ـ سهرابی، یعقوب، بررسی فقهی و حقوقی حجیت علم قاضی، مجله کانون وکلای دادگستری، دوره جدید، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۱۴ و ۱۵.

ـ الطباطبایی اصفهانی، سید محمد، ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالدلائل، انتشارات کبیر، ج ۱.

الطوسی، محمد بن الحسن، النهایه فی مجرد فقه و الفتاوی، بیروت، انتشارات دارالکتاب العربی، ج دوم.

ـ علم الهدی، سیدمرتضی؛ انتصار/ مؤسسهٔ نشر اسلام، قم، ۱۴۱۵ هـ ق

ـ فلاح، مهدی، علم قاضی در رویکرد فقهی و حقوقی، مجله انسان پژوهی دینی، پاییز ۱۳۸۳، شماره ۱.

ـ گلدوزیان، (دکتر) ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات جهاد دانشگاهی(ماجد)، چاپ ششم، سال ۱۳۷۸،

ـ المحقق حلی، (علامه) اکبر شیخ جعفر، المختصر النافع فی الفقه الامامیه، قم: انتشارات درس اسلامی، ۱۴۰۲.

ـ المحقق حلی، نجم الدین، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱.

معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین/ تهران، سرایش، ۱۳۸۱، چاپ سوم

مقتدائی، مرتضی؛ علم قاضی در حقوق اسلام/ مجلهٔ قضائی حقوقی دادگستری، سال ششم، شمارهٔ ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان ۷۶

ـ الموسوی البغدادی، سید مرتضی، الانتصار الشیعه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۱۵.

ـ النجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی الشرح شرایع الاسلام، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۲.

ـ یثربی، علی محمد؛ بررسی علم قاضی در فقه و قانون؛ اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۳۸۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]